



علوم اجتماعی

را بگشایید

www.ketab.ir

گزارشی درباره ساختار بندی مجدد مردم اجتماعی

■ ایمانوئل والرشتاین ■ ترجمه مهدی معافی

روزگار

www.ketab.ir

سرشناسه: والرشتاین، ایمانیوئل موریس، ۱۹۳۰ - م. Mullerstein, Immanuel Maurice
عنوان و نام پدیدآور: علوم اجتماعی را بگشایید / نویسنده امانوئل والرشتاین؛ مترجم مهدی معافی.
مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی هنری پگاه روزگار نو، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۱۵۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۰۰-۱۵-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Open the Social Sciences
موضوع: علوم اجتماعی
موضوع: Social sciences
شناسه افزوده: معافی، مهدی، ۱۳۶۵-، مترجم
رده بندی کنگره: H۶۲
رده بندی دیویی: ۳۰۰/۷۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۲۱۱۳۷
وضعیت رکورد: فیبا

نویسنده: امانوئل والرشتاین

مترجم: مهدی معافی

■

ویراستار: زهرا نظری

■

ناشر: نگاه روزگار نو

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

ناظر چاپ: حسین نظری

چاپ و صحافی: بوستان کتاب

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۰۰-۱۵-۳

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

■

📍 خیابان طالقانی، خیابان سرپرست جنوبی، کوچه پارس، پلاک ۱

📞 ۸۸۸۰۷۱۸۸

🌐 www.Rpub.ir

📧 @roozegareno.pub

■

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

- ۱۷ مقدمه مترجم
- ۱۲۷ ساخت تاریخی علوم اجتماعی از قرن هجدهم تا ۱۹۴۵
- ۱۶۵ مباحثات درون علوم اجتماعی از ۱۹۴۵ تاکنون
- ۱۶۸ اعتبار تمایزها میان علوم اجتماعی
- ۱۸۲ میراث علوم اجتماعی به چه میزان محدود کننده و پیشانه و اروپا محور است؟
- ۱۹۶ واقعی بودن و اعتبار تمایز میان «دو فرهنگ»
- ۱۱۰۷ اکنون باید چه نوعی از علوم اجتماعی را بسازیم؟
- ۱۱۱۶ انسان‌ها و طبیعت
- ۱۱۲۰ دولت به مثابه یک واحد تحلیلی
- ۱۱۲۶ امر جهانشمول و امر خاص
- ۱۱۳۱ عینیت
- ۱۱۳۷ نتیجه‌گیری: ساختار بندی مجدد علوم اجتماعی
- ۱۱۵۱ واژه‌نامه

مقدمه مترجم

تاکنون آثار مختلفی از والرشتاین به فارسی ترجمه شده که از میان این آثار حداقل دو اثر به طور مستقیم با «علوم اجتماعی» به مثابه موضوع پژوهش، مرتبط بوده است. اما گزارش گلبنکیان^۱ با وجود آنکه

۱ بنیاد گالوست گلبنکیان (Calouste Gulbenkian Foundation)، واقع در لیسبون پرتغال، یکی از ثروتمندترین بنیادهای خصوصی اروپا است که در جهت حمایت از هنر و علوم انسانی، آموزش، علوم پایه و مسائل انسان دوستانه فعالیت می‌کند. هزینه این بنیاد از دارایی‌های گالوست گلبنکیان (تاجر بزرگی که در حوزه نفت و صنایع مرتبط فعالیت می‌کرد) تامین می‌شود. در سال ۱۹۹۳، کمیسیون گلبنکیان (Gulbenkian Commission) ذیل بنیاد گالوست گلبنکیان و با هدف بررسی وضعیت جهانی علوم اجتماعی و چگونگی ارتباط آن با علوم انسانی و علوم طبیعی تشکیل شد. این کمیسیون به دنبال این بود که در آن زمان جهت‌گیری روشنی را برای تحقیقات علوم اجتماعی در طی ۵۰ سال آینده، ترسیم کند و در رفع نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌ها در سازمان رشته‌های علوم اجتماعی قرن نوزدهمی بکوشد و سازمان علوم اجتماعی را متناسب با اقتضائات قرن بیست و یکم بگشاید و بازآفرینی کند. ترکیب اعضای این کمیسیون که همگی از افراد شهیر و برجسته حوزه مطالعاتی خود بودند، بدین ترتیب بود: شش متخصص در حوزه

در دهه ۱۹۹۰ منتشر شده، ویژگی‌های منحصربه‌فردی در خود دارد. در زبان فارسی متون محدودی وجود دارند که بتوان آن‌ها را گزارشی تاریخی از کلیت علوم اجتماعی نامید؛ شاید مهمترینشان، کتاب «وضعیت پست‌مدرن» لیوتار باشد. گزارش گلبنکیان که به سرپرستی امانوئل والرشتاین و با همکاری تعدادی از دانشمندان برجسته علوم طبیعی و علوم انسانی و علوم اجتماعی تدوین شده است، گزارشی است تاریخی و موجزو البته جامع که نحوه پیدایش و تحولات معرفتی علوم اجتماعی را، هم در نسبت با دگرگونی‌های جهانی به‌ویژه تحولات سرمایه‌داری جهانی و هم در نسبت با وضعیت نهادهای علمی و تحولات رشته‌ها تشریح می‌کند. این گزارش جامع و چندبعدی و روایت تاریخی‌اش از علوم اجتماعی و البته کلیت دانش در طی چند سده اخیر (به‌خصوص از ۱۸۵۰ به بعد)، آن را به متنی کم‌نظیر تبدیل کرده است.

«علوم اجتماعی را بگشاییم/ بگشاییم». دعوتی است برای بازخوانی و بازسازی علوم اجتماعی. علمی که به واسطه ساخت تاریخی‌اش، توانسته ساختارها و رشته‌ها، پژوهشگران، معرفت‌شناسی‌ها و روش‌شناسی‌های خاصی را در درون خود شکل دهد و بر کلیت دانش مسلط سازد و در مقابل، باب مشارکت را به روی دیدگاه‌ها و روش‌شناسی‌ها و معرفت‌شناسی‌های بدیل ببندد و بازیگران محدودی را به مشارکت بگیرد. این محدوداندیشی و بسته‌بودن علوم اجتماعی سبب شده که علوم اجتماعی به تدریج مسیری را طی کند که نتواند واقعیات اجتماعی و دگرگونی‌های جهانی آن را ببیند؛ در نتیجه،

► علوم اجتماعی، دو متخصص علوم طبیعی و دو متخصص حوزه علوم انسانی، بعد از انجام پژوهش و نگارش ۱۰ گزارش مستقل، امانوئل والرشتاین به عنوان دبیر این کمیسیون وظیفه جمع‌بندی و ارائه محتوای گزارش نهایی را بر عهده گرفت و گزارش نهایی پس از سه دور بررسی توسط اعضای کمیسیون در سال ۱۹۹۶ توسط انتشارات دانشگاه استنفورد منتشر شد.

انتزاعی، بی ارتباط با مسائل و چالش های کنونی و ناتوان از طرح چشم اندازی روشن از آینده گردیده است. گشودگی و افتتاح علوم اجتماعی تاریخی، راهی است که والرشتاین برای آمادگی در مواجهه با مسائل و چالش ها و واقعیت های معاصر و نظم جدید جهانی پیشنهاد می دهد.

در میان روایت های مختلف تاریخ علوم اجتماعی، روایت والرشتاین و هم قطارانش روایتی توأم با توجهات و بصیرت هایی خاص و متفاوت است: روایتی که مجموعه دگرگونی های معرفت شناسانه و علمی را در پرتو تحولات جهانی می بیند و همزمان، هم تکوین علوم اجتماعی را در ذیل پیدایش و دگرگونی های علم مدرن پیگیری می کند و هم به تغییرات کلی فرم دانش اجتماعی توجه دارد. آن هایی که با تحلیل متفاوت والرشتاین از انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی (و همچنین عصر استعمار) آشنا هستند، به خوبی می دانند که او چگونه در آن تحلیل ها توانسته، مقیاس و واحد تحلیل را جابه جا کند و دیگر از روزه محدود علوم اجتماعی دولت محور، به تحولات ننگرد. در این گزارش، شاهد فراوری والرشتاین از تحلیل دولت محور در مطالعه علوم اجتماعی هستیم.

سکه رایج علوم اجتماعی در ایران، مفروض گرفتن و قطعی دانستن انضباط رشتگانی و ناسیونالیسم روش شناسانه^۱ حاکم بر آن است. کافی است نگاهی به ایده تحول خواهان علوم انسانی در ایران بیفکنیم، چه آن هایی که در جست و جوی اسلامی سازی رشته های مختلف علوم اند؛ مثلاً جامعه شناسی و مدیریت و اقتصاد اسلامی؛ و

^۱ فرض ناگفته علوم اجتماعی که پیشاپیش دولت ملی را به مثابه واحد تحلیل در نظر می گیرد و هر تحلیلی را که مسائل و راه حل ها را در خارج از این گستره و واحد تحلیلی در نظر بگیرد، نامعتبر می شمارد؛ ناسیونالیسم روش شناسانه، بازتاب معرفتی ناسیونالیسم سیاسی است که در سرتاسر دوره مدرن بر حیات سیاسی و اجتماعی ما حاکم بوده است و تنها با طرح جهانی شدن بوده است که کمی رنگ باخته است.

چه آن‌هایی که می‌خواهند با تثبیت رشته‌ها و علم جهانی موجود، ما را از وضع غیرعقلایی و کوتاه‌مدت و کلنگی به جامعه جهانی عقلایی برسانند، هر دو بر یک چیز متفق‌القول‌اند: انضباط رشتگانی موجود، قطعی و مفروض است. ما امروز در رشته جامعه‌شناسی نهادینه شده، پارسونز را جامعه‌شناسی می‌دانیم به سیاقی که آگوست کنت جامعه‌شناس بود. میشل فوکو و آنتونی گیدنز و معاصران دیگر را هم در همان سنت رشتگانی قرار می‌دهیم. در رشته علوم سیاسی آکادمیک نیز هابز و ماکیاولی مؤسس، لاک و روسو، مارکسیست‌ها، دیوید ایستون رفتارگرا، هارولد لاسول و نظریه پردازان معاصر انتخاب عمومی، همگی شاغلان در رشته علوم سیاسی معرفی می‌شوند. اما والرش‌تاین به ما می‌آموزد که دانش اجتماعی در مدرنیته، یک فرم و ساختار و تقسیم کار واحد و ثابت نداشته است. به قول بورن ویتراک ما حداقل با پنج دوره از دانش اجتماعی در مدرنیته مواجه هستیم: فلسفه‌های سیاسی اخلاقی، دانش اجتماعی کل‌گرا، علوم اجتماعی دیسپلینه و رشتگانی، چندرشتگی و میان‌رشتگی و نهایتاً عصر پسارشتگی.

فرم و ساختار دانش اجتماعی در ادوار مختلف متفاوتند؛ چراکه هریک در تناسب با نظم سیاسی و جهانی حاکم پدید آمده و در آن کارآمد و مثمر ثمر بوده‌اند. والرش‌تاین در کتاب «علوم اجتماعی نیندیشیدنی» به ناکارآمدی علوم اجتماعی قرن نوزدهمی برای قرن بیست و یکم اشاره می‌کند؛ چراکه معتقد است اکنون عصر «پایان جهان [است]» چگونه که آن را می‌شناسیم. اگر تقسیم‌بندی ویتراک را کمی ساده سازیم و با پیتر واگنر در «جامعه‌شناسی مدرنیته» همراه شویم، می‌توانیم از سه دوره دانش اجتماعی مدرن سخن بگوییم که بر طبق آن، گزارش گلبنکیان عمدتاً بر دوره دوم دانش اجتماعی متمرکز است: یعنی تکوین انضباط رشتگانی از نیمه قرن نوزدهم و استقرار آن، سپس مواجهه آن با بحران‌ها و چالش‌ها از نیمه دوم قرن بیستم.